

آینه‌ای در برابر آینه‌ات می‌گذارم

حرف‌هایی درباره برف

برف می بارد برف می بارد...

مینو زابیتیان
Minoo_zabetian83@yahoo.com

می شود، کریستال یخ بوجود می آید. گرد و غبار هم از آتشفشان، گرده گل، فرسایش خاک و... داخل ذره یخی می شود. برف در ابری که خیلی سرد است شکل می گیرد. شکل کریستال یخ در داخل دانه های برف به درجه حرارت ابر بستگی دارد و اندازه آن نیز بسته به رطوبت ابر است. هرچه رطوبت بیشتر باشد بلورها بزرگتر می شوند و هنگامی که از ابر می بارند سرعت ریزش برف بسته به شکل آنها، متفاوت می شود.

چرا برف سفید است؟ همه می دانیم که نور مرئی خورشید سفید است. اجسام بر اساس جذب قسمتی از این نور، رنگ می گویند. اما برف بیشتر، نور را منعکس می کند. ساختار پیچیده کریستال های برف که گونه ای است که از تعداد بیشماری سطح کوچک و برف تشکیل شده است و همین شکل ساختمانی آنها باعث می شود نور خورشید بطور کامل از آن منعکس شود و فقط میزان کم و ناچیزی از آن نور بطور یکسان و یکنواخت در سر تا سر طول موج نور مرئی جذب می شود و به همین خاطر ظاهر نهایی برف سفید رنگ است.

چرا برف برخی اوقات یخ و برف به رنگ آبی دیده می شوند؟ همانطور که گفته شد بطور کلی برف سفید رنگ است. چرا که بیشتر نور مرئی در سطح برف یخ بدون هیچ انتخاب و تفکیکی برای رنگی خاص، انعکاس پیدا می کند. تفاوت زمانی بوجود می آید که بخشی از نور خورشید در برف انتقال و نفوذ پیدا کند. وقتی نور به داخل برف یخ وارد می شود دانه های یخ میزان زیادی از نور را پخش و پراکنده می کنند. اگر نور در تمام جهات و ابعاد پخش شود ممکن است سرانجام بدون هیچ جذبی منعکس شود و از نزدیکی سطح خارج شود و همچنان برف را سفید ببینیم.

اما وقتی جذب صورت می گیرد، بیشتر رنگ قرمز در مقایسه با آبی جذب می شود(البته نه خیلی زیاد و قابل توجه) به همین علت اگر با انگشتان خود در برف حفزه ای ایجاد کنید و به داخل آن نگاه کنید، نور آبی یا نزدیک به آبی را خواهید دید. (بسته به عمق برف) نور آبی خورشید

زمنستان یعنی برف و برف هم یعنی خود خود زمنستان یا دانه های برف همه کاری می توانیم بکنیم. مثلاً آنها را قبل از رسیدن به زمین با زیماننا بگیریم. به رقص از آسمان در آسمان و فضای ساکت و خاموش اطرافمان نگاه کنیم و با روی آستین لباسهایمان با دقت به نمایشهایشان ببینیم... وقتی به زمین رسیدند نه هم چسبیدند و انوشه شدند، با آنها هم برفی، گلوله برفی یا اناق برفی بسازیم. از سرسره بازی، اسکی یا پیدما کردن و دنبال کردن کتکخوانه در باها در زمین پوشیده از برف هم که نکو و نپرس!

برف چطور تشکیل می شود و چند نوع بلور برف داریم؟

در اواخر دهه ۱۸۰۰ مردی که Wilson Bentley نام داشت و عاشق زمستان بود بر روی بلورهای برف مطالعه کرد. او تمام زندگی را صرف عکاسی از این بلورها کرد (به همین خاطر هم مردم او آدمی عجیب و غریب تصور می کردند). سرانجام در ۱۵ ژانویه سال ۱۸۸۵ موفق شد از این بلورها تصویری داشته باشد کاری که در طول زندگی بیش از ۶۰۰۰ مرتبه انجام داد! (و به این نتیجه رسید که هیچ نوع کریستال برفی شبیه به هم نیستند. در حقیقت احتمال اینکه بر حسب اتفاق ۲ ذره برف کاملاً شبیه هم باشند در حدود یک میلیون تریلیون است.) (عبدی عددی که ۱۷ صفر جلوی آن باشد!)

مخصوصاً شرفی صادقی توضیح و تصحیح ترانه عروج که هفته گذشته به چاپ رسید متعلق به آقای حجت قربانپور بود

موضوع ما در این مقاله است. شما دنبال هر اطلاعاتی بگردید، با کمی جست و جو به قول معروف سرچ می کنید به صورت مجانی مطالبی پیدا کنید که به شما یاد خواهد داد چطور کار خاصی را انجام دهید.

همه می دانند که دنیا بی سر و ته اینترنت یک محل خوب برای یادگیری و آموزش است. شما دنبال هر اطلاعاتی بگردید، با کمی جست و جو به قول معروف سرچ می کنید به صورت مجانی مطالبی پیدا کنید که به شما یاد خواهد داد چطور کار خاصی را انجام دهید.

گاهی دیدن بعضی آدم‌ها باعث می شود تا نگاهمان به زندگی عوض شود و بسیاری از دغدغه‌های پیش پا افتاده را فراموش کنیم. امینه دریاورد در کتاب «آینه در دستان» شاعر جوانی که ساکن بخشی از جزیره قشم به نام درگاهان است. در گاهان کتابخانه ای دارد که وجودش را تا حد زیادی مدیون حضور و خسارت دریاورد است. دریاورد هم می گوید که یک روزی او را تا ناصر عبداللہی اجرا کرده است.

وقتی جریان راه اندازی کتابخانه را برام تعریف می کند تمام لحظات برام تصویر می شوند. انگار که دارد فیلمنامه یا داستانی را برام می خواند. می گوید: سال ۱۳۷۹ جزیره درگاهان کتابخانه ای نداشت و من که اهل کتاب و مطالعه بودم و به واسطه دوستی که در تهران داشتم کتابهای روز و خواندنی معمولاً به دستم می رسید تصمیم گرفتم کتابخانه ای راه اندازی کنم. با همکاری دوستان یکی از آنها یکی کودکستان تحت نظر بهزیستی را به این کار اختصاص دادم و همه کتابهای را به اینجا بردم و به همین راحتی جزیره صاحب کتابخانه شد.

بعد از آن بود که سختی های کار آغاز شد. اینکه جزیره کتابخانه ای داشته باشد موردی نداشت، اما اینکه دختر جوانی اینجا را اداره کند برای بسیاری از اهالی جزیره غیر قابل تصور بود. جزیره ای که هنوز وابسته به یکسری باورهای سنتی و سخت است. دریاورد می گوید: من تصمیم خودم را گرفته بودم و در مقابل همه اعتراضات ایستادم هرچند که در این مسیر از همراهی خانواده و حضور پدرم نیز بهره مند بودم. وضعیت وقتی بدتر شد که دختران دیگر جزیره نیز به کمک من آمدند اما بالاخره اکثر آنها قبول کردند



محصول عبور از یک مسیر نسبتاً طولانی از میان یخ و برف است. بنابراین لطیف مورد نظر وابسته به جذب است و نه انکسار (بر خلاف تصور عده ای ازما!) به عبارتی ساده تر، سطح یخ و برف مانند یک فیلتر است که اگر ضخامتی معادل فقط یک سانتی متر داشته باشد تمام نور از میان آن بیرون می آید اما اگر ضخامت آن یک متر باشد، بیشتر رنگ آبی از آن خارج می شود.

چرا برف عایق مناسبی است؟ در بین کریستال های برف تازه و یا نغورده، درمدم بالایا لکلول هوا قرار دارد. (۹۰ - ۹۵ درصد) از آن جاییکه هوا به سختی حرکت می کند، انتقال گرما از بین آن به نسبت زیادی کاهش پیدا می کند و می تواند عایق خوبی باشد.

آیا برف قابل خوردن است؟ در بین کریستال های برف تازه و یا نغورده، درمدم بالایا لکلول هوا قرار دارد. (۹۰ - ۹۵ درصد) از آن جاییکه هوا به سختی حرکت می کند، انتقال گرما از بین آن به نسبت زیادی کاهش پیدا می کند و می تواند عایق خوبی باشد.

یک جوان ایرانی



قسمتی از شعر «نیستی و نیستم» امینه دریاورد
از هیچ می پرسم که سایه را / و شمر می پرسم / از شمر می پرسم / که فراق از خورشید / را زین سایگی را می داند / و گاه که نیست / کجایم؟ / که بی سایه از من است / تندیس می شوم که / سالیات ایستاده و / گردشگری هنوز عکس با / سایه اش نگرفته است / کجایم؟ / از موج های بی سایه اش / سبزه درختها / ساختمانها / آدمها / بی سایگی ام را نشان می دهند / چشم می بندم و / نسیم می شوم

برف از کریستال های یخ تشکیل شده است بین راس و سر کریستال ها فضا و شکافی وجود دارد که با هوا پر شده است. و وقتی برف به زمین می رسد، هوا در میان لایه های آن حبس شده و گیر می افتد

چرا برف در زیر قدم های ما قرح فروغ می کند؟

برف از کریستال های یخ تشکیل شده است کریستال هایی که شش وجهی هستند و هر ذره برف حاوی تعدادی از آنهاست. بین راس و سر کریستال ها فضا و شکافی وجود دارد که با هوا پر شده است. و وقتی برف به زمین می رسد، هوا در میان لایه های آن حبس شده و گیر می افتد. حتماً شما دیده اید که وقتی روی برف می گذارید فشرده می شود و به این وسیله هوا با فشار از میان برف خارج می شود و صدایی می شنوید می تواند حاصل شکسته شدن بلورهای یخ باشد.

در یک روز آفتابی، لایه سطحی برف در اثر تابش خورشید، ذوب میشود. با پایین آمدن خورشید و غروب آفتاب به علت افت دما، لایه سطحی برف مجدداً یخ می زند و روی آن قشر نازک یخ بوجود می آید که از روی آن قدم بگذاریم پوسته بالایی می شکنند و حاصل آن قرح و فروغ است.

آیا این امکان وجود دارد که در هوای گرمتر هم برف بیاید؟

برف تشکیل می شود در دما صفر درجه سانتی گراد یا ۳۲ درجه فارنهایت و با کمتر از آن یخ نمی آید. در این حالت ممکن است دمای محل تشکیل برف داخل ابر (بر آفتاب پایین باشد که تولید برف کند اما دمای هوا در سطح زمین بالاتر از دما ذکر شده باشد) بالاتر از نقطه صفر (انجماد) که در چنین وضعیتی به علت آنکه برف مرطوب و نمکدار است، در مجاورت هوای گرمتر ذوب می شود و برعکس این فرآیند است که هوا سردتر می کند و کم کم با دامنه بارش، برف روی سطح زمین انباشته می شود.

ویک نکته دیگر را فراموش نکنید: ممکن است هوا سردتر شده باشد که برای ریزش برف مناسب باشد اما برفی نبارد چرا که برف همان آب منجمد شده است و رطوبت کافی در هوا نباشد ممکن است برف نیارد. زیرا وقتی آب قسمت های عمیق تر جاله ها به علت گرمای زمین گرمتر است، چرا که حرارت و گرما در داخل زمین ذخیره و انباشته می شود و از آن جهت که برف عایق خوبی است گرمای جمع شده در زمین به راحتی از آن خارج نمی شود. (درست مانند عایق سقف خانه ها)

سایه درختها / ساختمانها / آدمها / بی سایگی ام را نشان می دهند / چشم می بندم و / نسیم می شوم

حرف دل

harfedel_ir@yahoo.com

تو معنای سکوت کوجهه را خوب می فهمی تو از راز غریب لفظه های سرد آگاهی تو می دانی که تنهایی چه اندوه جگر سوزوست تو از لحن تمام بر گهای زرد آگاهی تو هم مانند قلب عاشقم، تنهایی تنهایی تو از بیج و خم پس کوجهه های درد آگاهی یا در کم کن ای واللاترین آیات انسانی تو از بغض عمیق لفظه ای همدرد، آگاهی معصومه رضایی زاده (خاکستر) از کتاب در امتداد سکوت

کسی تشویقم نکرد چه زود به خط پایان رسیدم من تند بودم یا راه کوتاه بود؟

احسان عزیزی از قلم می گویند بخشش خوب است، مگه نه؟ می گویند فراموش کردن همه چیز بدی نیست، مگه نه؟ پس چرا تا قدم فراموش کنم، باز... و باز... پس چطور از من انتظار دارید می بخشم و فراموش کنم؟

در دل سیاه شب، درجای بستر عاصی و مستأصل انزوی بی هویت خویش به تو می اندیشم!

صدای پای مجول، بر سنگفرش بی انتهای حیابانی موهوم شکجه می دهد بی گناهی سکوت را دانمآ می تو می اندیشم...

مخصوصاً شرفی صادقی توضیح و تصحیح ترانه عروج که هفته گذشته به چاپ رسید متعلق به آقای حجت قربانپور بود

موضوع ما در این مقاله است. شما دنبال هر اطلاعاتی بگردید، با کمی جست و جو به قول معروف سرچ می کنید به صورت مجانی مطالبی پیدا کنید که به شما یاد خواهد داد چطور کار خاصی را انجام دهید.

من رو بشناس اینگونه خراب کن!

همه می دانند که دنیا بی سر و ته اینترنت یک محل خوب برای یادگیری و آموزش است. شما دنبال هر اطلاعاتی بگردید، با کمی جست و جو به قول معروف سرچ می کنید به صورت مجانی مطالبی پیدا کنید که به شما یاد خواهد داد چطور کار خاصی را انجام دهید.

گاهی دیدن بعضی آدم‌ها باعث می شود تا نگاهمان به زندگی عوض شود و بسیاری از دغدغه‌های پیش پا افتاده را فراموش کنیم. امینه دریاورد در کتاب «آینه در دستان» شاعر جوانی که ساکن بخشی از جزیره قشم به نام درگاهان است. در گاهان کتابخانه ای دارد که وجودش را تا حد زیادی مدیون حضور و خسارت دریاورد است. دریاورد هم می گوید که یک روزی او را تا ناصر عبداللہی اجرا کرده است.

وقتی جریان راه اندازی کتابخانه را برام تعریف می کند تمام لحظات برام تصویر می شوند. انگار که دارد فیلمنامه یا داستانی را برام می خواند. می گوید: سال ۱۳۷۹ جزیره درگاهان کتابخانه ای نداشت و من که اهل کتاب و مطالعه بودم و به واسطه دوستی که در تهران داشتم کتابهای روز و خواندنی معمولاً به دستم می رسید تصمیم گرفتم کتابخانه ای راه اندازی کنم. با همکاری دوستان یکی از آنها یکی کودکستان تحت نظر بهزیستی را به این کار اختصاص دادم و همه کتابهای را به اینجا بردم و به همین راحتی جزیره صاحب کتابخانه شد.

